هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۶۱، شنبه ۱۸ آذر ۱۳۵۷

سخنی با ارتشیانی که هنوز دلهایشان برای مردم و میهن می تپد

سرباز شاه یا سرباز مردم؟

میلیونها نفر از مردمی که در ماههای گذشته با پرتاب شاخه های گلیه جانب سربازان و افسران، از ته دل فریاد می زدند: "ارتش برادر ماست....." برادر ارتشی - چرا برادرکشی؟" این روزها با گلوی بغض آلود، همه عتاب و سرخوردگی خود را در کلماتی نظیر این می ریزند: "ما برادرانی نظیر قابیل نمی خواهیم".

گروهی از جوانان عصر دوشنبه گذشته افسر جوانی را در مقابل دانشگاه تهران زیر باران این پرسش ها که لحنی برادرانه نظر و یک امید آغشته به محبت، اما سرد و خاکستر شده داشت، گرفته بودند:

- مگر توقسم نخورده ای که در راه استقلال و آزادی میهنت جان بدهی؟ به ما بگو وطن تو کجاست در میان آن چند هزار نفری که از فرط غارت و دزدی در حال ترکیدنند و تا مغز استخوان های فاسدشان با جهانخواران امپریالیست جوش خورده است، یا آن دهها میلیون نفری که تولیدکنندگان و آفرینندگان نعمت ها و ثروت های میهن اند و به خاطر آزادی و استقلال وطن با خونشان کوچه ها و خیابانها را رنگین کرده اند؟

یکی از جوانها با صدایی که از فرط احساسات می لرزید، بانگ زد:

- جناب سروان، وطن واقعی تو ما شیم. مگر میهن بدون مردم می تواند مفهومی داشته باشد؟ تو به خاطر چه کسانی میهنت را گلوله باران می کنی؟ به خاطر آن هشتاد هزار مستشار و کارشناس و جاسوس آمریکایی که با کنترل و اشغال مهمترین و حساس ترین مراکز و مواضع ارتش ایران، ارتش ما را به صورت یک ارتش مزدور، یک مترسک امپریالیستی درآورده اند؟

لحظه آن روز جلوی دانشگاه بیشتر شبیه یک محکمه غیررسمی بود، محکمه ای که گویی قاضی آن ملت بود که با انگشت به ارتش به مثابه جزئی از وجود خویش که علیه پیکر اصلی جبهه گرفته اشاره می کرد. صدای پاک این قاضی عادل این روزها در کوچه ها و خیابانهای همه شهرهای وطن ما موج می زند و به صورت یک سوال بزرگ و وجدانی در برابر همه افسران و درجه داران و سربازان شریفی که در قبال سرنوشت توده ها و وطن خود را متعهد می دانند، قرار می گیرد. مردم از ارتشی که باید حافظ آنها باشد، اما بر علیه آنها بسیج شده است می پرسند:

- آیا وقت آن نرسیده که بین مردم و دشمنان آنها، بین حقیقت و دروغ، آن یکی را انتخاب کنید که شرف سربازی و خردمندانی تان حکم می کند؟ آیا ننگ خفه کردن صدای آزادی، ننگ سلامی گردن مردمی که هیچ چیز جز استقلال و رهایی وطن خود نمی خواهند، ننگ تیرباران کردن زنان و کودکان و پدران و مادران و پسران و خواهران خود، ننگ حمایت و دفاع از استبداد و قلدری و خیانت و جنایت برای شما که از میان خلق برخاسته اید و به آن تعلق دارید، قابل تحمل است؟

مردم در کوچه و خیابان فهرست ۱۷۵ نفر از رجال و رهبران سیاسی و نظامی رژیم را که کارمندان میهن پرست بانک مرکزی منتشر کرده اند به هم نشان می دهند که نام پاره ای از اعضای خانواده سلطنت، دولت های سابق و دولت نظامی کنونی و ژنرال های حلقه به گوش رژیم نظیر اویسی و طوفانیان در میان آنهاست. این به اصطلاح "میهن پرستان" و "داعیان پرهیاهوی حکومتی" تنها در طرف چند هفته بیش از یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان اردردی ها و غارت های افسار گسیخته و تکان دهنده خود را به صورت ارز به بانک های خارجی منتقل کرده اند.

کارمندان شجاع و میهن پرست بانک مرکزی به ۱۷ اعتبار حواله شده با رمز سیاسی به حساب های اختصاصی در بانک های کشورهای سوئیس، فرانسه و آمریکا دست پیدا کرده اند که مبلغ آنها به میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون تومان است و بی شک به شاه و اعضای اصلی خانواده سلطنتی او اختصاص دارد.

و این نمونه ها تنها بخشی از خروار است. مردم این لیست سیاه را در برابر بانک ها، زرهپوشها و کامیون های پر از سرباز که به صورت یک ارتش اشغالگر شهرهای میهن ما را تصرف کرده و زیر خشن ترین و بی رحمانه ترین کنترل نظامی درآورده اند، تکان می دهند و فریاد می زنند:

- سربازان، به خاطر ادامه این تاراجها است که به جنگ ما آمده اید؟ آیا می خواهید این بزرگ ترین دزدان و شیادان تاریخ همچنان شیره جان ما و شما را بمکنند و ما را به جان هم بیندازند؟

و سعدآباد شعار برازشعانت و در عین حال بیدار کننده با طنین تلخی توی صورت سربازها پخش میشود:

"شاه خیانت می کند - شاه جنایت می کند - ارتش حمایت می کند؟"

دنباله در صفحه ۲

اعتصابات عمومی سراسری و نامحدود را با تظاهرات هرچه گسترده تر بیامیزیم

مبارزه اعتصابی گسترده به عنوان یک سلاح کارآ و ملی هر روز آثار و نتایج درخشانتری برای جنبش انقلابی و سراسری مردم میهن ما به بار می آورد. امواج سهمگین و فزاینده اعتصابات سیاسی که با اعتصابات مطالباتی و صنفی گره خورده، کارخانه ها را به دانشگاهها و بازارها را به اداره ها و مدارس و تاسیسات و بنگاه های دولتی و خصوصی را به مطبوعات و کانون ها و انجمن های ملی و دموکراتیک و شهر را به روستا پیوند تازه ای داده است. مردم در عرصه مبارزه اعتصابی به توانایی های پایان ناپذیر خود پی می برند و خود را به عنوان سرچشمه همه نیروها و معجزات کشف می کنند و استخوان های پوسیده رژیم استبدادی شاه را بیشتر می فشارند و خرد می کنند. پیوستن صدها هزار کارگر صنایع نفت، ذوب آهن، چاپ، ماشین سازی و تراکتورسازی تبریز، ماشین سازی اراک، بافندگی ها و نساجی ها و صدها کارخانه دیگر در سراسر کشور به رزم اعتصابی مردم، به این مبارزه محتوا و عزم و عمق و وشیفه مبارزاتی بخشیده و به همان نسبت که بیشتر از طبقه کارگر با خواست های مشخص سیاسی و درک طبقاتی سریع الرشد خود به این جنبش ملی و توده ای می پیوندند، پیروزی آن قابل دسترس تر و خصلت ملی و دموکراتیک آن پویاتر و قاطع تر می شود... در این شرایط در میان پاره ای از گردان های مبارز و گروه های ملی زمزمه ای شنیده می شود که: "آیا ادامه مبارزه اعتصابی وقت تلف کردن نیست؟"

اعتقاد این گروه ها و گردان ها به ثمربخشی قطعی مبارزات اعتصابی درست در نقطه ای پایان می یابد که شما می اسمان و انتظار پاره ای دیگر از سازمان ها و فعالین جنبش - که اغلب به افشار مختلف بورژوازی ملی لیبرال وابسته اند - نسبت به اثربخشی نبرد اعتصابی، به مثابه تنها حربه برنده و سرنوشت ساز انقلاب ایران، آغاز می شود. این فعالین و سازمانهای خدا استبدادیا مطلق کردن مبارزه اعتصابی و مبدکامل جنبش به این شیوه از مجموعه شیوه های مبارزات انقلابی، خلط و اشتباهی را که گروه ها و گردان های اولی در جهت کم بها دادن به اهمیت و قابلیت نبرد اعتصابی مرتکب شده اند، تکمیل می کنند. گروه های اول از موضع چپ گرایی افراطی و گروه های دوم با جهت گیری راست گرایانه در درون جنبش، هر دو به یکسان این جنبش را تضعیف می کنند و امکانات متنوع و گوناگونی را که در برابر آنست، از آن دریغ می دارند. در منطق و برداشت گروه های اول که از نخستین تا نهایی ترین مراحل انقلاب یک شیوه مبارزه را توصیه می کنند و با این مطلق گرایی عملا تدریجی بودن و متنوع تکامل شرایط عینی و ذهنی انقلاب را نفی می کنند و در ورطه ذهن گرایی می افتند نوعی کم حوصلگی، شتابزدگی، شورواحساس کنترل نشدنی که فارغ از واقعیت های جامعه به دنبال آرزوها می دوند، به روشنی مشخص است. اینان تجربه توده ها و به ویژه طبقه کارگر را - که انقلاب بدون شرکت فعال آنها به کاریکاتور خونین بیشتر شبیه می شود - در صعود مراحل مختلف مبارزات صنفی و مطالباتی و ارتقاء این مبارزه تا سطح سیاسی - و نیز درک ضرورت مبارزه سیاسی به یاری تجربه شخصی خود توده ها از مرز آمادگی تا عالیترین مرز آن یعنی مبارزه مسلحانه را که روند طولانی و بغرنجی از آموزش و عمل را در پشت سر دارد، باور ندارند. بخشنین خواسته های مسموم آنارشیسم در زمین شخم خورده و مستعد چنین نگرش و اعتقاد است که بارور می شود...

اما گروه های دوم چنان حماره های مبارزه انقلابی را تنگ می کنند، چنان از پیش دست و پای خود را می بندند و در ضمن انتخاب میدان نبرد را به دشمن وا می گذارند یا بیشتر پیش به او معرفی می کنند چنان از درک این مساله حیاتی و مبرم که هر شرایط خاص و هر مرحله مشخص مبارزه، شیوه مناسب خود می طلبد غافلند و با طفره می روند، که فن و هنر سترگ مبارزه انقلابی را به یک بازی بکشاخت و لاجرم بی خاصیت سیاسی بدل می کنند و دشمن را هنگشای جنبش را از دست آن می رهانند.

دنباله در صفحه ۲

از اعتصاب رزمی کارگران صنایع نفت و گاز پشتیبانی کنیم

دهها هزار کارگر مبارز و قهرمان صنایع نفت و گاز در سراسر کشور به اعتصاب رزمجویانه و بیکارچه خود ادامه می دهند. کارگران آگاه و بیکارچوی نفت طی بیانیه ای که در آبادان منتشر کرده اند، عزم راسخ خود را به ادامه نبرد اعتصابی شکوهمند و پر اهمیت خود تا تحقق کامل خواست های ملی و دموکراتیک جنبش انقلابی مردم ایران اعلام داشته اند.

کارگران و کارمندان صنایع نفت و گاز در شهرهای تهران، آبادان، اهواز، خرمشهر، آغاجاری، گچساران، جزیره خارک، بندرماهشهر، شیراز، تبریز، کرمانشاه، اصفهان، شهری... در این اعتصاب پرشکوه شرکت دارند. کارگران دلاور نفت اعلام کرده اند که تولید تنها درحد مصرف داخلی ادامه خواهد داشت و این در حالی است که رژیم ضد خلقی شاه مذبوحانه تلاش می کند با استخدام معدودی نفت و بنزین در مردم ایجاد نارضایتی کند و در صفوف یکپارچه جنبش انقلابی مردم شکاف اندازد.

گزارش می رسد که رژیم برای مقابله با اعتصاب تکنسین های نظامی و سربازان را در تاسیسات نفت به کار گمارده است. با این حال در نزدیکی جزیره خارک که بزرگترین بندر نفتی ایران است بیش از ۷۰ نفتکش متوقف مانده اند.

گزارش های دیگر حاکی است که در بوشهر و ماهشهر کلیه کارگران و کارمندان کارخانجات تولید گاز مانع از روز دوشنبه ۱۳ آذر ماه برای پشتیبانی از جنبش ملی و دموکراتیک مردم و اعتراض به کشتارها و سرکوبی های رژیم در ایجاد نابرادران اعتصابی خود دست از کار کشیده اند. کارگران و کارمندان کشتیرانی، گمرک و حمل و بارگیری در بندر بوشهر نیز به جنبش اعتصابی پیوسته اند.

ما از همه کارگران ایران در سراسر کشور دعوت می کنیم که با جربزه اعتصاب به پشتیبانی از برادران نفتگر خود برخیزند و نقش تعیین کننده خود را در جنبش انقلابی خلق به عهده گیرند.

ما از همه میهن پرستان مبارز، از همه نیروهای ملی و آزادیخواه می طلبیم که با یاری گیری از همه شیوه های مؤثر، فعالانه از اعتصاب سرنوشت ساز کارگران دلاور صنایع نفت و گاز پشتیبانی کنند و با کمک مادی به سریع اعتصاب را از طرفانی تامین کنند.

در راهپیمایی بزرگ اعتراضی فردا شرکت جوئیم

آیت الله طالقانی، روحانی مترقی و آزادیخواه و رجل برجسته نهضت دموکراتیک ایران که اخیرا پس از سالها از بند زندان رهایی یافته است طی اعلامیه ای از مردم دعوت کرده است که در روز یکشنبه (فردا)، روز تاسوعای حسینی، که مصادف با سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر است در تهران و یا سر شهرهای کشور دست به یک راهپیمایی عظیم اعتراضی علیه رژیم سفاک آریامهری و امپریالیست های حامی آن بزنند.

آیت الله طالقانی اعلام کرده است:

"اینجانب روز یکشنبه (تاسوعا) که با روز اعلامیه جهانی حقوق بشر مصادف است از ساعت ۹ با عزم و معرفت و آگاهی به تمام جوانب و لوازم امر این راه پیمایی را از خانه ام آغاز می کنم."

رهبران جبهه ملی، دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر، که چند روز پیش، پس از نزدیک به یک ماه اسارت در زندان حکومت نظامی، آزاد گردیده اند، اعلام داشته اند که از این راه پیمایی پشتیبانی کرده، در آن شرکت می جویند. دکتر کریم سنجابی، طی مصاحبه ای با رادیو بی.بی.سی. نسبت به گروه دسته و بنوطئه چینی رژیم علیه این راه پیمایی صالحیت آمیز هشدار داده است.

ما از انجام این راه پیمایی اعتراضی، که با عظمت و شکوه میلیونی خود یا دیگر عزم راسخ مردم ایران را به سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی و روی کار آوردن حکومتی ملی و آزادیخواه که آزادی، استقلال و پیشرفت میهن ما را تامین کند، نشان خواهد داد، پشتیبانی می کنیم و از همه نیروهای توده های وسیع مردم دعوت می کنیم که در این راه پیمایی بزرگ شرکت جویند و یا در دیگر جاها اتحاد در رهبری به "خلق را به نمایش بگذارند.

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» لنین»

www.iran-archive.com

جنبش اعتصابی و تظاهراتی در شهرها

مشهد:

مشهد در هفته‌ای که گذشت مانند صدها شهر کوچک و بزرگ ایران صحنه عظیم ترین و خونین ترین تظاهرات ملی و آزادیخواهانه مردم بود. تظاهرات با شکوه مردم در روزهای ۱۲ و ۱۴ آذر به دنبال متحصن شدن گروه کثیری از معلمان، فضلا و دانشگاهیان در دادگستری مشهد از روز ۱۳ آذر آغاز شد. این تحصن برای اعتراض به دستگیری حدود دویست دانشجو و دانش آموز در جریان تظاهرات هفته قبل از آن صورت گرفت. هنوز ساعتی از این تحصن نگذشته بود که هزاران نفر از مردم قهرمان این شهر به حمایت از خواست های متحصنین برابر ساختمان دادگستری مشهد دست به تظاهرات شکوه مندی زدند. تحصن و تظاهرات ملی رغم همه تهدید و ارعاب های فرمانداری نظامی مشهد تا نیمه شب به طول انجامید.

در همین روز طبق گزارش های رسیده در چند نقطه شهر پلیس وارتش به روی مردم بی‌سلاح آتش گشودند و صدها نفر را به خاک و خون کشیدکه عده‌ای از آن ها به شهادت رسیدند. در یکی از همین یورش های دژخیمانه و گلوله باران مردم میهن پرست و آزادیخواه یک سرباز وظیفه که حاضر نشده بود به طرف هموطنانش شلیک کند در مقابل چشم مردم توسط معاون فرمانداری نظامی مشهد، سرهنگ طباطبایی به ضرب گلوله به شهادت رسید. مردم لباس وکلاه خون آلود فرزند دلیر و شهید خود را دست به دست گرداندند و به روان پاکش درود فرستادند و کینه و خشم خود را درمشت های گره کرده وشعارهای آتشین نثار دژخیمان مسلح نمودند.

گزارش های رسیده حاکی است که در روز ۱۴ آذر ماه نیز تظاهرات عظیم نیم میلیون نفری در مشهد برگزار شد. مردم در شعارهای سوزان خود رژیم ضدملی ضددموکراتیک وضدخلقی شاه را محکوم کردند. گستردگی وعظمت تظاهرات به حدی بود که رژیم مجبور شد نیروهای مسلح خود را از خیابان های شهر عقب بکشد.

گزارش های رسیده از مشهد حاکی است که تاکنون بیش از پانصد سرباز میهن پرست سربازخانه ها را ترک کرده و به میان مردم آمده اند و مردم نیز فرزندان آزادهٔ خود را در آغوش خویش و درخانه های خود پناه داده اند.

بوشهر:

به دنبال تظاهرات پیاپی مردم در بوشهر و ادامه اعتصابات و تعطیل عمومی، یک پاسبان که فعالانه در هجوم به تظاهرکنندگان شرکت داشت در خانه‌اش با گلوله به قتل رسید. به دنبال این واقعه، ساواکی ها و ماموران نظامی به خانه حجت الاسلام ابوترابی آشوری، از روحانیون مبارز بوشهر، هجوم بردند و ایشان را گلوله باران کرده، به شهادت رساندند. به دنبال این جنایت دژخیمان، هزاران تن از مردم بوشهر، روز دوشنبه ۱۲ آذرماه خشمگینانه دست به تظاهرات خیابانی زدند. در گورستان عمومی شهر و به هنگام تشییع جنازه حجت الاسلام آشوری، ارتش به سوی مردم آتش گشود. از تعداد شهدا و مجروحان آماری در دست نیست.

اصفهان:

در تظاهرات عظیم و پرخروش مردم در روز شنبه ۱۱ آذرماه حداقل ده تن شهید و دهها نفر مجروح و بسیار بازداشت شدند. شهر اصفهان به حال تعطیل درآمده است. نبرد تظاهراتی موضعی ادامه دارد.

شیراز:

تظاهرات و اعتصاب عمومی در اکثر شهرهای استان فارس ادامه دارد. در شیراز در عصر ۱۲ آذرماه تظاهرات گسترده و هیجان آمیزی علیه سفاکی های رژیم شاه برپا شد که علی رغم حکومت نظامی تا ساعت ۲ بامداد روز بعد ادامه یافت. مردم شیراز نیز شبها از روی بام ها فریادهای اعتراض و خشم خود را علیه جنایت ها و خیانت های رژیم شاه بلند می کنند.

آباده:

در تظاهرات خونین مردم در روز ۱۳ آذرماه حداقل ۳ نفر توسط نیروهای مسلح و جنایتکار شاه به شهادت رسیدند.

کازرون:

نمایش های اعتراضی و مبارزاتی مردم قطع نمی‌شود. ساعات منع عبور و مرور افزایش یافته و از بعدازظهر تعیین شده. کازرون به صورت یک شهر اشغال شده درآمده است. اعتصاب عمومی و یکپارچه مردم ادامه دارد.

اردکان فارس:

تظاهرات پراکنده هر روز جریان دارد. شهر در اشغال نظامیان است و بازداشت وسیع مبارزان ادامه دارد.

جهرم:

تظاهرات پراکنده مردم در روز ۱۳ آذرماه توسط نیروهای مسلح رژیم گلوله باران شد که در نتیجه بیش از سه نفر شهید، دهها نفر مجروح و عده زیادی بازداشت شدند. شهر جهرم یکپارچه تعطیل است.

زنجان:

شهر زنجان یکپارچه خون و آتش است. در پی تظاهرات پیاپی و مبارزه جویانه مردم، نظامیان رژیم به خانه ها و مغازه ها و اماکن عمومی یورش می برند و آنها را غارت می کنند و به آتش می‌کشند. مهاجمان مسلح رژیم حتی به یک حمام زنانه یورش برده و به روی زنان و دختران آتش گشوده اند. تظاهرات و مقاومت سلحشورانه در برابر کرکرزاهای رژیم ادامه دارد. مردم شب ها نیز بر پشت بام ها با بانگ و خروش اعتراضی و محکوم کننده "خود شهر را به لرزه در می‌آورند و روحیه" دژخیمان نظامی را در هم می شکنند.

گزارش های رسیده حاکی است که بیمارستان های محلی شهر زنجان مملو از مجروحین است به طوری که خون برای نجات آنها کفایت نمی کند.

همدان:

در چهار روز اول ماه محرم در تظاهرات پراکنده مردم همدان حداقل هفت تن در اثر گلوله نظامیان شهید و دهها تن مجروح شده اند. تعطیل عمومی و تظاهرات در همدان ادامه دارد.

قم:

مردم روزها با تظاهرات موضعی و شبها بر روی بام ها با شعارهای آتشین به مبارزه علیه رژیم خائن و جنایتکار شاه ادامه می دهند. عمال حکومت نظامی هر روز خون عده‌ای از میهن پرستان را بر خاک می ریزند. شهرکلا تعطیل است. درس های حوزه علمیه قم نیز به پشتیبانی از اعتصاب رزمی کارگران نفت طی اطلاعیه‌ای به طور نامحدود تعطیل اعلام شده است.

تهران:

تظاهرات موضعی گسترده در نقاط مختلف تهران ادامه دارد. دولت تیمساران مزدور و جنایت پیشه شاه در همه جا تظاهرکنندگان را به خاک و خون می‌کشد و با بی شرمی گستاخانه‌ای ادعا می‌کند که خون شهیدان که بر آسفالت خیابان ها جاری است گویا مرکور کرسی است که مخالفان برای تضعیف موقعیت رژیم و جنگ روانی علیه آن در خیابانها می‌پاشند. در تشییعات متحدین و مشمئزکننده" رژیم فریادهای اعتراض و بانگ سرخ شعارهای شبانه مردم در پشت بام ها و تاریکی خیابانها ورگبار مسلسل دژخیمان که حتی مردم را در خانه شان هدف قرار می‌دهد، تنها صداها و همهمه هایی است که از شوارهای ضبط صوت مخالفان معدود بیرون می آید. از رژیمی که تنها حربه اش گلوله و دروغ است و در بستری از خون و آتش و مرگ جان می‌کند، جز این چه انتظاری می‌توان داشت؟

در تظاهرات سه هزار نفری که هفته گذشته در مقابل بازار برپا شد و مورد تهاجم خونین گرازهای مسلح شاه قرار گرفت، عده زیادی شهید و دهها نفر مجروح شدند. روز شنبه گذشته نیز تظاهرات چند هزار نفری مردم در خیابانهای اطراف کاخ نیاوران با رگبار مسلسل و گلوله" تانک های رژیم درهم شکسته شد و دهها نفر کشته و مجروح به جای گذاشت.

وسعت تظاهرات مردم و کشتار وحشیانه رژیم را از روی گزارش روزنامه نیویورک تایمز می توان دریافت. این روزنامه گزارش می دهد که تمام بیمارستان های شهران مملو از زخمی شدگان است و هر ساعت به طور متوسط بین ۵ تا ۷ تن زخمی به بیمارستان جرجانی آورده می‌شوند. این روزنامه می نویسد شمین شمار کشته شدگان به واسطه کثرت آن امکان پذیر نیست.

اعتصابات عمومی سراسری را...

نظر ما - همان طور که به کرات اعلام کرده ایم - اینست که در این لحظه های خونین و پرتپش که پیکار انقلابی و شکوهمند خلق های سلحشور میهن ما به اوج و خروش بی سابقه‌ای رسیده، هر شیوه مبارزه که امر جنبش را به پیش برد و منجر به فتح سنگرهای اساسی جدید توسط نیروهای ملی و ضداستبدادی و ضدسلطنتی شود، باید تائید شود. این نظر عام به معنی آن نیست که ما از زیر بار این واقعیت علمی شانه خالی می کنیم که در هر مرحله مشخص از مبارزه، با توجه به شرایط عینی و صف آرایی نیروهای طبقاتی و سیاسی و میزان آمادگی و سطح آگاهی توده ها و کیفیت تشکل آنها، عموماً یکی از اشکال مبارزه به صورت شیوه عمده و موثرتر در می آید و دیگر اشکال و شیوه ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برعکس ما معتقدیم، اجتناب از مطلق کردن یک شیوه مبارزه و آماده بودن برای تدارک و پذیرش و به کارگرفتن کلیه شیوه ها و اشکال کارسازیک کار، این فرصت و مجال را به ما می دهد تا با هر چرخش جدید در جریان نبرد و در هر مرحله تازه و کیفیتاً متفاوت آن، بهترین و مناسب ترین شیوه و شکل مبارزه را انتخاب کنیم.

بر اساس یک چنین اعتقادی است که ما در نخستین مرحله اوج گیری جنبش انقلابی در کارخانه ها شعار اعتصاب و مبارزه کردن را تحادیه ها و سندیکاهای کارگری و در خیابانها شعار تظاهرات گسترده سیاسی را دادیم و وقتی جنبش به نیروی این تظاهرات که تا حد تظاهرات بی سابقه در سراسر تاریخ ایران، با حجمی میلیونی گسترش یافت، پیش رفت و اولین سدهای استبدادشه فاشیستی رژیم شاه را درهم شکست و ناگهان با سد نوظهور حکومت نظامی روبرو شد، ما اعلام کردیم: "با اعتصابات عمومی سراسری حکومت نظامی را درهم بشکنیم." - و چون دامنه اعتصابات اقتصادی وصنفی بالا گرفت، شعار" ضرورت ارتقاء مبارزات اقتصادی به مبارزات سیاسی" را طرح کردیم و با پی گیری تعقیب نمودیم. و اینک که این اعتصابات رزمی با خروش و توان برق وتوفان در حال به پیش جهیدن است، علی رغم نصیحه گروه ها و گردان هایی که از سر بی حوصلگی ادامه" نبرد اعتصابی را وقت تلف کردن می دانند، برآنیم که این مبارزه دشمن شکن ضمن آن که بهترین و کم هزینه ترین مکتب و میدان آموزش و تجربه انقلاب است، هنوز از قسمت عظیمی از ظرفیت های خود بهره گیری نکرده است. ما برآنیم که باید تمام نیرو و مقدورات مبارزه" اعتصابی را در سراسر کشور، در تمام کارخانه ها و ادارات و سازمانها و شرکت ها و کشت شون و ارگان هایی که ادامه فعالیت و استمرار رژیم به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها بسته است، توسعه دهیم. نوک زوبین این حمله اعتصابی باید متوجه حیاتی ترین تاسیسات و حساس ترین نقاط پیکر رژیم نظیر صنایع نفت و مراکز مالی فلج کننده ای نظیر بانک های دولتی باشد. صفوف فشرده کارگران به مثابه انقلابی ترین و پی‌گیرترین طبقه، بخشوانه مطمئن اعتصاب است. در صورتی که اعتصابات عمومی سیاسی و فلج کننده سراسر مملکت را فرا بگیرد و با آن موکول به سقوط رژیم شود، این نبرد عظیم و ویرانگر با قدرت کارساز تظاهرات گسترده و عظیم سیاسی ده هزاران با اعتصابات عمومی سراسری برگزار می‌شود، بیامیزد، هم جنبش عمومی مردم بلندپیگری در جهت تقویت و تحکیم خود و تضعیف دشمن پرداخته است و هم این احتمال وجود دارد که رژیم پوسیده و فربت خورده متکی به امپریالیسم شاه که به شدت در تنگنا و خفقان لاعلاج افتاده در معرض سقوط قرار گیرد.

ما برآنیم که تمامی ابتکار و حلاقیت رهبران سیاسی پی آن که به محافظه کاری بگرایند - با شور و شهر و با بدمعطوف به این امر گردد که جنبش انقلابی توده ها با کمترین تلفات و ضایعات بیشترین بهره و پیروزی را به دست آورد. در جریان تلاش همه جانبه و پی گیر برای برپا ساختن اعتصاب عمومی سراسری و نامحدود و آمیختن این پیکار با رزم تظاهراتی هرچه وسیع تر، حتی اگر پیروزی قطعی مورد نظر به جنگ نیاید، توده ها با تجربه شخصی و مستقیم خود به ضرورت دست یابی به شیوه های بار هم حالی تر و قاطع تر مبارزه" انقلابی معتقد خواهند شد و در متن این آمادگی توده‌ای، انقلاب با پاهای میلیونی خویش برای یک خیز دیگر، یک حمله سخت تر و مصممانه تر تونش و توان لازم را خواهد یافت.

سربازشاه یا سربازمردم؟

رژیم شاه طی ۳۷ سال متمادی با تکیه به تفنگ آن دسته از شانتظامیان که با اطاعت کورکورانه و انطباط ضدمردمی و تربیت خون آمیز و توخالی توسط دیکتاتورمهار شده اند، و به یاری میرغضب های جرارتر از عقرب ساواک، از ایران برای برانداختن یک زندان و شکنجه گاه بزرگ و برای امپریالیست ها، سرمایه داران کلان و غارتگران خون و نفت و گاز یک سفره رنگین و پرنعمت ساخته است. اگر میخواهید کارخانه ها دوباره به کار بیفتد، اداره ها و مدارس و دانشگاهها به جای سنگرهای جنگ تبدیل به آن چیزی شوند که از نام آنها برمی آید، اگر می خواهید این همه قتل عام و حمام خون، مسجد و کتابخانه و سینما آتش زدن ها، گورستان های پی درپی ساختن ها، ضجه مادران و نوحه و مصیبت عزاداران پایان بگیرد، به خاطر میهن و مردمتان از خودمایه بگذارید. به صفوف خلق که مشحون مقدس حقیقت و آزادی است بپیوندید. از دستورات فرماندهان مزدور و از اطاعت عروسک وار و کورکورانه مقررات خشک و فرض آلود نظامی که نگهدارنده ظلم و گندیدگی و نظام بندگی و غارت است، سرباز زنید. با ایجاد انواع موانع در راه پیشبرد هدف سرکوب جنبش و مردم، با ترک پست ها و پادگان ها، با افشای اطلاعات و اسرار و توطئه هایی که علیه مردم سلحشور و جانباز میهن شماست و با هر وسیله و تدبیر و امکان دیگر که از دست تان برمی آید، از سرباز شاه آمریکایی به سرباز مردم بدل شوید. این خواست میلیون ها هموطن شماست که از میان دریایی از خون و رنج و مرگ شما را مخاطب قرار داده است. آیا این صدا را نمی شنوید؟

سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست! به ندای خلق خود پاسخ مثبت دهید:

از خدمت در ارتش آشفا لکرشاه - آمریکا سرباز زنید!

به صفوف جنبش انقلابی خلق بپیوندید!

سلاح های خود را برای نابودی دشمنان مردم به کار اندازید!

سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

www.iran-archive.com